

اندازه‌گیری سیاست‌های حمایتی در صنایع کارخانه‌ای ایران*

بیژن باصری

در این مقاله موضوع حمایت‌ها در برخی صنایع کارخانه‌ای ایران مورد بررسی قرار گرفته است. شیوه مورد بررسی براساس نسبت درآمدها و هزینه‌های بازاری به درآمدها و هزینه‌های مسایه‌ای است. صنایع گویای آن است که نرخ حمایت مؤثر در اکثر صنایع مورد بررسی بیشتر از نرخ حمایت اسمی بوده است. صنایعی که از حمایت بالاتری برخوردارند دارای صادرات اندک‌اند و حمایت‌ها در بخش‌های صادراتی مکانیزم پویا و درون‌زایی را ایجاد نکرده است. علاوه براین، حمایت‌های دولت عمدتاً در راستای نهادهای وارداتی و مواد خام ضرورت پذیرفته است و در زمینه کالاهای سرمایه‌ای این حمایت‌ها ضعیف بوده است.

مروری بر نوشتارها

موضوع حمایت‌ها همواره موضوعی جدال برانگیز در میان اقتصاددانان بوده است. از قرن‌ها پیش این تصور که کشورها از تجارت با دیگر ملت‌ها مستفیع می‌شوند، در میان ملل جهان رایج بوده است. نخستین و مشخص‌ترین عقایدی که راجع به تجارت ملت‌ها با یکدیگر وجود داشته است در قرون وسطی و مربوط به مرکانتلیست‌ها است که طی دوره ۱۵۰۰ تا ۱۷۵۰ میلادی در اروپا رواج یافت. مبنای عقاید مرکانتلیست‌ها انباشت فلزات گرانبهایی نظیر طلا و نقره بود که قدرت اقتصادی یک ملت را تشکیل می‌داد. در اواخر قرن هجدهم تفکرات مکتب مرکانتلیستی توسط هیوم مورد حمله شدید قرار گرفت. وی بیان کرد که انباشت طلا و نقره منجر به مازاد تجاری، افزایش عرضه پول و نهایتاً افزایش قیمت‌ها و دستمزدها می‌شود و موقعیت تجاری یک کشور را به شدت تضعیف می‌کند.

* این مقاله براساس طرح تحقیقاتی نویسنده با عنوان «تأثیر سیاست‌های حمایتی بر صنایع کارخانه‌ای ایران» تدوین شده است. از همکاران طرح آقایان مصطفی ضرغامی (مشاور طرح)، احمد زمانی (همکار اصلی)، علی دهقانی و منصور احمدی تشکر می‌شود.

اسمیت به‌عنوان پدر علم اقتصاد ضمن مردود شمردن انباشت طلا و نقره گسترش تجارت را مبنای افزایش رفاه جوامع، تخصصی شدن امور، تقسیم بین‌المللی کار و افزایش بهره‌وری نیروی کار ذکر کرد و در واقع دخالت دولت‌ها را صرفاً در تأمین امنیت در چارچوب قوانین و به‌صورت محدود ذکر کرد و هر نوع دخالت و حمایت دولت‌ها در محدودیت‌های تجاری را شدیداً رد کرد. نظریه اسمیت با بحث هزینه‌های تطبیقی ریکاردو در ۱۸۱۷ جان تازه‌ای یافت. ریکاردو معتقد بود که برای برقراری تجارت هیچ لزومی به داشتن مزیت مطلق در تولید یک کالا نیست بلکه چنانچه یک کشور در تولید کالایی مزیت نسبی داشته باشد، تجارت آن کشور با سایر کشورها مطلوب و سودمند است.^۱

فردریک لیست در قرن نوزدهم به‌عنوان یکی از اقتصاددانان واقع‌بین، با توجه به شرایط اقتصادی آلمان، نظریه تجارت آزاد کلاسیک‌ها را مورد انتقاد قرار داد و بیان کرد که به‌دلیل همگن نبودن ساختار اقتصاد آلمان با اقتصاد کشورهای پیشرویی نظیر انگلستان و فرانسه، اقتصاد این کشور قادر به رقابت تجاری با آنان نیست و اقتصاد آلمان اگر بخواهد پیشرفت کند، نیازمند حمایت از صنایع خود است.

به تدریج در دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ کشورهای در حال توسعه‌ای که صادرات آن‌ها صرفاً مواد خام و اولیه معدنی و کشاورزی بود، دستیابی به توسعه صنعتی را به‌عنوان هدف اساسی خود انتخاب کردند. در تلاش برای حصول به توسعه‌ای پایدار، این کشورها دریافتند که گرچه تداوم تخصصی شدن در تولید کالاهای اولیه در کوتاه‌مدت رفاه آن‌ها را حداکثر خواهد کرد، اما اتکای صرف به تجارت مواد خام و اولیه همواره آن‌ها را در موقعیت پایین‌تری نسبت به کشورهای توسعه یافته قرار می‌دهد و این کشورها در راستای دستیابی به منافع توسعه از دستیابی به رفاه در بلندمدت باز خواهند ماند. در نیل به چنین هدفی بسیاری از کشورهای در حال توسعه سیاست جایگزینی واردات را برای صنعتی شدن اتخاذ کردند. لازمه اتخاذ این سیاست برخورداری از بازار بزرگ، نیروی کار فراوان، و فور منابع اولیه و حمایت از صنایع نوپا از طریق ابزارهای تعرفه‌ای و دیوارهای حمایتی بود. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ کشورهای نظیر هند، پاکستان، آرژانتین، برزیل از این سیاست استفاده

کردند. نرخ‌های حمایتی بالا در طیفی بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ درصد و سیاست‌های حمایتی شدید قیمتی و غیرقیمتی از مشخصه‌های بارز سیاست‌های حمایتی در این کشورها محسوب می‌شد. مداخله گسترده دولت در حمایت از روند صنعتی شدن در بسیاری از کشورهای در حال توسعه منجر به ایجاد صنایع غیرکارآمد و افزایش سطح قیمت‌های داخلی برای مصرف‌کنندگان شد. سیاست‌های حمایتی معمولاً با مداخله دولت در بازارهای مختلف همراه بود. در این کشورها نرخ ارز به صورت مصنوعی بالا نگه داشته می‌شد و واردات کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی برای افزایش تولید و تأمین نیازهای مصرف داخلی مورد تأکید سیاست‌گذاران بود. تلاش در جهت صنعتی شدن از طریق سیاست‌های جایگزینی واردات برنادریده گرفتن پتانسیل‌های بخش کشاورزی و سایر بخش‌های تولیدی کالاهای اولیه منجر شد و کشورهای در حال توسعه که با جمعیتی رو به رشد و تقاضاهای فزاینده مواجه بودند با کمبود درآمدهای ارزی رو به رو شدند. کمبود چنین درآمدهایی کسری تراز پرداخت‌ها و افزایش قیمت‌های داخلی و بی‌ثباتی‌های اقتصادی و اجتماعی را به دنبال داشت. برخی از اقتصاددانان برآورد کرده‌اند که اتخاذ استراتژی جایگزینی واردات در برخی از کشورها منجر به اتلاف بیش از ۱۰ درصد درآمد ملی این کشورها شده است.^۱

این تجربیات و، علاوه بر آن، موفقیت نسبی کشورهایهایی که سیاست متکی به صادرات صنعتی را از دهه ۱۹۵۰ به بعد اتخاذ کردند، امروزه اکثر کشورها را برآن داشته است تا سیاست‌های اقتصادی خود را در راستای اهداف تجاری برون‌گرا تنظیم کنند. با این حال، هنوز موانع و محدودیت‌های تجارت به دلیل انگیزه‌های دیگر در حد بسیار بالایی وجود دارد و کشورها به دلایل مختلف و بعضاً منطقی اقدام به اتخاذ سیاست‌هایی می‌کنند که حرکت در خلاف جهت تجارت آزاد است.

سیاست‌های حمایتی به وسیله دو دسته عمده از ابزارها یعنی ابزارهای تعرفه‌ای و ابزارهای غیرتعرفه‌ای اعمال می‌شوند. ابزارهای تعرفه‌ای ابزارهای قیمتی هستند و درجه شفافیت آن‌ها در اقتصاد بیشتر است و امروزه هدف کلی اقتصاد جهانی سوق دادن حمایت‌ها به سمت ابزارهای قیمتی است، زیرا زیان ناشی از این ابزار کمتر از ابزارهای غیرتعرفه‌ای است.

1. Dominik Salvatore, "International Trade Policies. Industrialization and Economic Development," *The International Trade Journal*, Vol.10, No.1, Spring 1996.

به عبارت دیگر، میزان اختلال‌زایی ابزارهای غیرقیمتی بیشتر از ابزارهای قیمتی است، و از این دیدگاه ابزارهای غیرقیمتی بهینه‌تر و نحوه اجرای آن آسان‌تر است. ابزارهای غیر تعرفه‌ای شامل محدودیت‌ها، سهمیه‌بندی‌ها، تخصیص ارز و محدودیت در قوانین و مقررات است. برخی از این ممنوعیت‌ها و سهمیه‌بندی‌ها با قوانین و مقررات مشخص می‌شود و بعضی از آن‌ها هم از نظر شکل و نحوه اجرای قانون و ضابطه اجرایی مشخصی نیستند. در عمل، استفاده از چنین شیوه‌هایی به موقعیت سیاسی و انحصاری افراد و روابطشان با سیاست‌گذاران بستگی دارد.

آنچه که در موافقت سیاست‌های حمایتی عنوان می‌شود، افزایش در تولید و اشتغال، یکسان شدن قیمت عوامل تولید، بهبود رابطه مبادله، حمایت از صنایع نوپا و صنعتی شدن است. این استدلال‌ها با این توضیح که حمایت از یک صنعت خاص می‌تواند به توسعه آن صنعت کمک کند و، علاوه بر آن، در تصحیح انحرافات بازار داخلی مؤثر است و از نظر خودکفایی و توان نظامی می‌تواند مفید واقع شود، مورد حمایت قرار می‌گیرد. حمایت‌ها جدا از نقشی که در تخصیص منابع دارند یک منبع درآمدی کشورهای در حال توسعه نیز محسوب می‌شوند. موافقان سیاست‌های حمایتی کاهش واردات در نتیجه وضع تعرفه را فرصتی برای افزایش تولیدات داخلی برمی‌شمرند. مخالفان در پاسخ اذعان می‌دارند که افزایش تولیدات داخلی به اندازه کاهش واردات نیست، زیرا بخشی از افزایش تولید داخلی در نتیجه کاهش واردات از طریق کاهش سایر اجزای تقاضای کل و افزایش قیمت‌های داخلی در نتیجه وضع تعرفه خنثی می‌شود. در مورد اشتغال نیز مخالفان معتقدند که حمایت از صنایع داخلی گرچه تا حدودی منجر به افزایش اشتغال داخلی می‌شود، اما در عمل اشتغال در مقیاس بین‌المللی را افزایش نمی‌دهد، بلکه صرفاً باعث می‌شود تا اشتغال از یک کشور به کشور دیگر منتقل شود. موافقان سیاست‌های حمایتی، وجود دستمزدهای نسبتاً بالا در کشور وضع‌کننده تعرفه در مقایسه با سایر کشورها را دلیلی برای وضع تعرفه به منظور خنثی کردن اثر منفی این شکاف بر قدرت رقابتی خود می‌دانند. مخالفان سیاست‌های حمایتی در این باره عنوان می‌کنند که دستمزدها تنها جزء هزینه‌های تولید نیستند و به علاوه به‌طور ضمنی فرض می‌کنند که هیچ‌گونه تفاوتی در بهره‌وری نیروی کار بین کشورها وجود ندارد، لیکن اختلاف در دستمزدها صرفاً منعکس‌کننده هزینه نیروی کار نیست، بلکه تا حدود زیادی می‌تواند ناشی از تفاوت بهره‌وری

نیروی کار باشد.

در این زمینه، قضیه هکشر - اوهلین بیان می‌دارد چنانچه کشورها به سمت نظام تجارت آزاد حرکت کنند، قیمت عوامل تولید به سمت نوعی همگرایی حرکت می‌کنند که نهایتاً به یکسان شدن قیمت عوامل تولید منجر می‌شود. به دلیل آزادی تجاری و به دلیل استفاده بیشتر هر کشور از منابع فراوان‌تر در تولید کالای مورد نظر، قیمت نسبی عوامل فراوان در نتیجه تجارت افزایش می‌یابد. موافقان سیاست‌های حمایتی معتقدند این افزایش درآمد به دلیل آزادی تجاری در مورد عوامل کمیاب موضوع نامربوطی است، زیرا درآمد واقعی این عوامل نسبت به درآمد سایر عوامل تولید ممکن است کاهش یابد (برای مثال، کاهش درآمد نیروی کار غیرماهر در امریکا و درآمد صاحبان سرمایه در کشورهای در حال توسعه). لذا موافقت با آزادی تجاری تا حدود زیادی بسته به این امر است که نظام سیاسی یک کشور درآمد از دست رفته صاحبان برخی عوامل تولید در مقابل افزایش درآمد حاصل برای سایر عوامل تولید را چگونه ارزش‌گذاری کند. چنانچه هر یک ریال درآمد برای همه عوامل یکسان ارزش‌گذاری شود، جذابیت تجارت افزایش می‌یابد. اما چنانچه براساس دیدگاه‌های عدالت‌خواهانه ارزش درآمدهای از دست رفته برخی عوامل بیشتر از افزایش درآمد ناشی از تجارت باشد، تجارت آزاد ممکن است عملاً رفاه ملی را افزایش ندهد.

نکته اساسی در تحلیل اندیشه‌های موافق و مخالف سیاست‌های حمایتی این است که گروه کثیری از مردم در منافع ناشی از تجارت سهیم‌اند، اما ممکن است از منافع حاصل از تجارت آگاه نباشند. بسیاری از بحث‌های موافق و مخالف سیاست‌های حمایتی نشان می‌دهد که سیاست محدودیت واردات در جهت کاهش اختلالات بازار و پوشش دادن به اهداف دولت‌ها در جهت اجرای این سیاست‌ها، مثالی از قانون بهترین دوم^۱ است، در حالی که حذف این اختلالات در اولویت نخست قرار دارد. به عنوان مثال، وجود عوارض جانبی ناشی از یک فعالیت صنعتی و یا ناتوانی احداث صنایع جدید در جهت تجهیز منابع کافی به منظور پوشش دادن به زبان‌های دوره نوپایی، شواهدی از اختلالات در بازار هستند. چنانچه حذف این گونه اختلالات به روش‌های دیگر ممکن نباشد، دخالت دولت در شکل سیاست‌های حمایتی

همچون وضع تعرفه می‌تواند مورد قبول باشد.

حمایت‌گرایی به شکل محدودیت وارداتی کم هزینه‌ترین شکل دخالت نیست و، در واقع، چنین اشکالی از سیستم حمایتی حتی بهترین دوم نیز نیست، بلکه بهترین سوم یا چهارم است. برای مثال، پرداخت یارانه به تولیدات داخلی منجر به تشویق تولیدات داخلی می‌شود، اما زیان‌های کارایی آن کمتر از تعرفه و یا محدودیت مقداری است. از این رو، پرداخت یارانه می‌تواند بهترین دوم باشد و وضع تعرفه و محدودیت‌های مقداری در اولویت‌های بعدی قرار گیرد. پرداخت یارانه خود نیز به دلایل مختلف ممکن است عملی یا مردم‌پسند نباشد، و بر این اساس همواره منطقی برای استفاده از سیاست‌های محدودکننده واردات وجود دارد. نکته اساسی این‌که سیاست‌های حمایتی اگر هم دارای توجیه کافی باشند، باید با توجه به عوامل ایجادکننده مشکل یا انحراف اعمال شوند. چنانچه انحرافات و اختلالات موجود معلول سرمایه‌گذاری ناکافی یا آموزش باشند، راه‌حل بهینه برقراری تعرفه نیست بلکه فراهم کردن و گسترش تسهیلات آموزشی است و بسته به مورد در هر زمینه‌ای سیاست مناسب با آن مورد باید اتخاذ شود.

در بسیاری از مواقع راه‌حل‌های ایده‌آل از طریق مکانیسم‌های یارانه و مالیات قابل دسترسی نیستند، زیرا مالیات‌هایی که برای تأمین یارانه‌ها مورد نیاز است خود انحرافات را ایجاد می‌کند و در بسیاری از موارد توازن نیروهای سیاسی یک کشور به گونه‌ای است که انجام موفق اجرای سیاست بهینه مالیات و یارانه را غیرعملی می‌سازد.^۱

جمع‌بندی دیدگاه‌های موافقان و مخالفان نظریه حمایت را می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که نباید از یک تئوری خوب به شکل نادرست استفاده کرد. به این معنا که حمایت نباید زمینه استفاده ناصحیح از منابع و عوامل تولیدی (کار، سرمایه) را فراهم آورد. دوم، نباید تعبیر حمایت از صنایع نوزاد را به صورت غلط به کار برد، بلکه حمایت از صنایع نوزاد باید به شکلی صورت گیرد که رفاه اجتماعی افزایش یابد، نه این‌که در استراتژی جایگزینی واردات و در انجام حمایت‌ها به این صنایع مشروعیت دهد و زمینه را برای افزایش مداخله دولت فراهم سازد. زیرا مداخله‌ها و حمایت‌ها منجر به ایجاد پدیده رانت جویی می‌شود، که در این

۱. کیت گریفین، راهبردهای توسعه اقتصادی، ترجمه حسین راغفر و محمدحسین هاشمی (تهران: نشر نی، ۱۳۷۵).

صورت نمی‌توان مبنای سیاست‌گذاری صحیح را تشخیص داد.

از طرف دیگر، عدم اتخاذ دقیق سیاست‌های حمایتی در کشورهای در حال توسعه به نفع صنایع نوزاد (به دلیل شکست بازار سرمایه و شکست بازار کار) باعث افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و فن‌آوری و عدم اطمینان شده است. در این حالت، تازه واردان به بازار سرمایه وقتی ببینند رانتی وجود ندارد، انجام سرمایه‌گذاری خود را به تعویق می‌اندازند یا آن را متوقف می‌کنند.

در واقع، آنچه متون اقتصادی در این زمینه به ما توصیه می‌کند، این است که اول نظام واحد تعرفه‌ای یک نظام معین ایجاد انگیزه را به وجود می‌آورد. در صورتی که نظام متفاوت تعرفه‌ای منجر به تخصیص نامطلوب منابع شود، ارتباطی با پویایی و شکست نظام بازار ندارد. دوم، یک نظام تعرفه‌ای واحد از رشوه‌خواری و نظام فاسد اداری جلوگیری می‌کند و فرصت‌های از دست دادن منابع و ساخت و پاخت را کم می‌کند. سوم، در یک نظام بین‌المللی که نظام تعرفه‌ای یکسان حاکم است، ارزش افزوده بین‌المللی بیشتری به دست می‌آید. البته گفته‌های فوق بدان معنا نیست که نظام تعرفه‌ای یکنواخت الزاماً بهترین نظام است، بلکه باید ملاحظات مربوط به توزیع درآمد را در نظر گرفت و هزینه‌های حمایتی را در یک نظام اقتصادی و اجتماعی به حداقل رسانید. در ادامه، تجربه برخی از کشورهای در حال توسعه در زمینه اصلاح ساختار حمایتی و تعرفه‌ای بیان می‌شود.

بررسی سیاست‌های کاهش تعرفه در برخی از کشورهای در حال توسعه آنچه به عنوان تجربه کشورهای در زمینه اصلاح ساختار حمایتی مدنظر است، سیاست‌های کلی حاکم بر نظام تعرفه‌ای و حمایتی آن‌ها است. ویژگی مشترک تمام کشورهای مورد بررسی این است که همه این کشورها تلاش کرده‌اند تا محدودیت‌های مقداری، سهمیه‌بندی‌ها و مجوزها را حذف و در یک دوره زمانی محدود آن‌ها را تبدیل به ابزارهای تعرفه‌ای و قیمتی کنند. این کشورها در مرحله دوم نرخ‌های متعدد تعرفه‌ای را تقلیل داده و سعی کرده‌اند تا به سمت یک نظام تعرفه‌ای که اختلالات کمتری در اقتصاد ایجاد می‌کند، گام بردارند. در مرحله سوم، بسیاری از کشورهای مورد بررسی بر آن بوده‌اند تا حداکثر تعرفه‌ها را کاهش دهند و شرایط را برای رقابتی کردن تولیدات داخلی در عرصه بین‌المللی فراهم آورند. کشورهایی که تا این

مرحله پیش‌رفته‌اند و نظام تولید درون‌زایی را ایجاد کرده‌اند به تشکیل بازارهای مشترک منطقه‌ای روآورده و بسیاری از آن‌ها هم به سازمان تجارت جهانی (W.T.O.) پیوسته‌اند. مشکلاتی که برخی از کشورها به دلیل ساختار اقتصاد خود با آن مواجه شده‌اند کاهش درآمدهای تعرفه‌ای و کاهش درآمدهای صادراتی در کوتاه‌مدت است. مزایای ناشی از اتخاذ چنین اصلاحاتی افزایش درآمدهای صادراتی در بلندمدت و بهبود کارایی نظام اقتصادی و دستیابی به بازارهای بین‌المللی بوده است. در ادامه، تجربه کشورهای آرژانتین، برزیل، پاکستان، کلمبیا، بنگلادش، مصر و کره جنوبی را به اختصار بررسی می‌کنیم.

در اقتصاد آرژانتین کاهش تعرفه‌ها با هدف رقابتی کردن صنایع در بلندمدت آغاز شد. افزایش واردات، کاهش اشتغال، کاهش میزان رشد تولید و دامن‌گیر شدن اقتصاد در وضعیت رکودی از پی آمدهای کاهش تعرفه‌ها و سیاست آزادسازی در این کشور بود. به‌رغم چنین نتایجی، بهره‌وری در بسیاری از صنایع افزایش یافت. میزان اشتغال در صنایعی که ساختار رقابتی داشتند، نظیر صنایع مواد غذایی، منسوجات و محصولات چرمی، کاغذ، محصولات شیمیایی و برخی تولیدات فلزی، در دو سال اول با کاهش حمایت‌ها، افزایش و بعد از آن کاهش یافت. آزادسازی تجاری در این کشور نتوانست ثبات قیمت‌ها و تولید را به دنبال داشته باشد. زیرا این کشور تعرفه‌ها را شدیداً کاهش داد و به یکباره آزادسازی تجاری را در سطح وسیعی اعمال کرد.

در برزیل گرچه نرخ تعرفه‌ها در دهه ۱۹۸۰ بالا بود و این کشور دارای نظام تجاری ناکارایی بود، اما اصلاحات دهه ۱۹۹۰ این کشور باعث شد تا متوسط نرخ تعرفه‌ها از ۳۲ درصد در سال ۱۹۹۱ به ۱۴ درصد در سال ۱۹۹۳ کاهش یابد. نرخ تعرفه برای کالاها و مواد خام اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سایر کالاهایی که در داخل تولید نمی‌شود پایین و در حدود صفر است. کشور برزیل برای شفاف کردن بازارهای صادراتی سیاست‌هایی از قبیل حذف قطب‌های تجاری، حذف یارانه صادراتی و حداقل قیمت صادراتی را اعمال کرد.

در ترکیه در دهه ۱۹۸۰ نرخ تعرفه‌ها کاهش یافت. کاهش حمایت‌ها ابتدا در بخش کالاهای مصرفی و کالاهای کشاورزی شروع شد. صنایع تولیدکننده کالاهای سرمایه‌ای در مقایسه با بخش‌های اولیه از حمایت بالاتری برخوردار بودند. اصلاح نظام تجاری و منطقی کردن حمایت‌ها در ترکیه منجر به کاهش صادرات این کشور در کوتاه‌مدت شد.

در پاکستان متوسط نرخ تعرفه‌ها از ۷۰ درصد در سال ۱۹۷۹ به ۳۰ درصد در پایان این دهه کاهش یافت. کاهش محدودیت‌های وارداتی، بهبود نظام صادراتی و حذف یارانه‌های صادراتی سبب شد تا صادرات پاکستان از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۷ معادل ۶۰ درصد رشد داشته باشد.

کاهش نرخ تعرفه‌ها در بنگلادش در دهه ۱۹۸۰، حذف تعرفه بر مواد خام مورد نیاز، وضع تعرفه بر کالاهای لوکس وارداتی و کاهش تدریجی تعرفه‌ها به خصوص برای کالاهای تولیدی در طیفی معادل صفر تا ۳۰ درصد در ۱۹۹۲ از اقدامات انجام شده در این کشور است. گرچه اتخاذ سیاست‌های یاد شده منجر به کاهش درآمدهای تعرفه‌ای شد، اما چون هدف این کشور دستیابی به بازارهای بین‌المللی بود، چنین اصلاحاتی را با جدیت انجام داد.

در کلمبیا سیاست‌های اصلاح تجاری و کاهش حمایت‌ها در اوایل دهه ۱۹۹۰ آغاز و اصلاح نظام تعرفه‌ای در دو مرحله صورت گرفت. در مرحله اول اکثر محدودیت‌های غیر تعرفه‌ای حذف و در مرحله دوم نرخ تعرفه‌های موجود به تدریج کاهش یافت. متوسط نرخ تعرفه در دهه ۱۹۹۰ از ۲۷ درصد به ۲۴ درصد تنزل کرد. در ۱۹۹۲ متوسط نرخ تعرفه بر واردات از ۱۴ درصد به ۱۱ درصد رسید. گرچه اعمال سیاست‌های فوق منجر به کاهش درآمدهای دولت گردید، اما با ایجاد بانک صادرات - واردات تلاش این کشور در زمینه افزایش درآمدهای صادراتی باعث اعتبار بخشیدن به نظام تجاری این کشور در سطح بین‌المللی شد.

دولت مصر نیز اصلاحات تعرفه‌ای و منطقی کردن حمایت‌ها را از اواسط دهه ۱۹۸۰ آغاز کرد. تعرفه‌ها از ۴۷ نرخ به ۱۸ نرخ در ۱۹۹۱ و به ۹ نرخ در ۱۹۹۳ کاهش داده شد. نظام تعرفه‌ای مصر برای مواد خام اولیه یک نظام تصاعدی است. نرخ تعرفه برای محصولات نیمه کارخانه‌ای ۲۲ درصد و برای کالاهای ساخته شده نهایی ۵۱ درصد است. در نظام حمایتی مصر هنوز حمایت‌های وسیعی از صنایع اتومبیل‌سازی و تولیدات دارویی در قالب حمایت‌های محلی وجود دارد که درجه حمایت بالا در این کشور را نشان می‌دهد. بهبود وضعیت اقتصادی در ۹۲ - ۱۹۹۱ باعث تسریع اصلاحات تجاری و تعرفه‌ای این کشور شد. در کشور کره جنوبی اصلاحات تجاری با حذف محدودیت‌های مقداری و اصلاح قوانین و مقررات تجاری آغاز شد. متوسط نرخ تعرفه‌ها در این کشور از ۴۱ درصد در سال ۱۹۷۸ به ۱۰/۷ درصد در سال ۱۹۹۲ کاهش و حداکثر نرخ تعرفه‌ها از ۶۰ درصد به ۵۰ درصد تنزل

یافت. در ۱۹۹۲ متوسط نرخ تعرفه‌ها بر محصولات کشاورزی ۱۸/۵ درصد و برای کالاهای صنعتی ۸/۴ درصد بوده است. این کشور هنوز حمایت‌های موقتی از صنایعی را که آزادسازی در مورد آن‌ها اعمال شده است، ادامه می‌دهد. گرچه ترس از رقبای خارجی، آزادسازی و اصلاحات نظام تجاری در این کشور را تحت الشعاع قرار داده است، اما عملکرد قوی بخش صادرات منجر به مازاد حساب تجاری این کشور شد.

آنچه که تجربه سایر کشورها نشان می‌دهد، قیمتی کردن محدودیت‌ها، کاهش تعداد نرخ‌های تعرفه‌ای و پایین آوردن حداکثر نرخ‌های تعرفه‌ای است. با توجه به چنین اصلاحاتی، در حیطه سیاست‌گذاری نرخ مؤثر حمایت در برخی از صنایع ایران محاسبه می‌شود.

محاسبه نرخ حمایت مؤثر در صنایع منتخب ایران

نرخ مؤثر حمایت، ارزش افزوده داخلی را در دو حالت بافرض حمایت از تولید داخلی و عدم حمایت از تولیدات داخلی مقایسه می‌کند. نحوه حمایت دولت‌ها از تولیدات داخلی بامداخله دولت در بازار نهاده‌ها و عوامل تولید و دخالت در بازار محصولات ساخته شده از طریق قیمت‌گذاری و یا مداخله مستقیم و غیرمستقیم در هردو بازار صورت می‌گیرد. در این باره، در اغلب محصولات، قیمت‌های داخلی نسبت به قیمت‌های بین‌المللی انحراف پیدا می‌کند و معمولاً حمایت اقتصادی تا حدی صورت می‌گیرد که قیمت‌های داخلی در سطحی بالاتر از قیمت‌های بازار جهانی قرار گیرد. به علاوه، این حمایت‌ها موجب می‌شود که تخصیص منابع موجود را که یک کشور می‌تواند از طریق اعتماد و اتکای بیشتر بر مکانیسم تجارت آزاد جهانی به‌نحو کاراتری انجام دهد، به مسیر دیگری منحرف کند و به دنبال آن رفاه اقتصادی کشورهای طرف مبادله را کاهش دهد.

در این قسمت اندازه‌گیری ضریب حمایتی در دو بازار نهاده و محصول برای برخی صنایع کارخانه‌ای ایران محاسبه و برآیند سیاست‌های حمایتی دولت در دو بازار تقویم می‌شود. صنایع مورد نظر براساس کدهای ISIC چهار رقمی انتخاب و شامل تولید محصولات اساسی آلومینیومی (۲۷۲۲)، تولید محصولات آهن و فولاد (۲۷۱۰)، تولید انواع موتورسیکلت (۳۵۹۱)، تولید وسایط نقلیه موتوری، تولید محصولات گلی و سرامیکی (۲۶۹۸)، تولید سیمان (۲۶۹۴)، تولید شیشه جام (۲۶۱۱)، تولید صابون و پاک‌کننده (۲۴۲۴)، تولید انواع

رنگ و روغن (۲۴۲۲)، تولید خمیر کاغذ و مقوا (۲۰۱۰)، جوراب‌بافی (۱۷۳۲)، و منسوجات (۱۷۱۱) می‌شود.

ضریب حمایت اسمی بر محصول بیان‌کننده نحوه حمایت دولت از قیمت بازاری محصولات صنعتی است که از تقسیم درآمدهای بازاری به درآمد سایه‌ای در هر صنعت به دست می‌آید و می‌توان آن را به صورت زیر نشان داد:

$$NPC = \frac{M_i}{R_i}, \quad i = 1 \dots n$$

که M درآمدهای بازاری، و R درآمدهای سایه‌ای را در صنعت خاص نشان می‌دهد. چنانچه ضریب حمایت اسمی (NPC)^۱ از بازار محصول بزرگ‌تر از یک باشد نشان دهنده حمایت مثبت از بازار محصول، اگر کوچک‌تر از یک باشد نشان دهنده حمایت منفی، و چنانچه برابر با یک باشد عدم مداخله دولت در محصول مورد نظر را نشان می‌دهد. ضریب حمایت اسمی بر نهاده‌ها^۲ (IPC) میزان حمایت‌های دولت در بازار نهاده را نشان می‌دهد و توسط رابطه زیر بیان می‌شود:

$$IPC = \frac{C_j}{RC_j}$$

C_j هزینه‌های بازاری، و RC_j هزینه‌های سایه‌ای را نشان می‌دهد و نسبت این دو، ضریب حمایت از نهاده‌ها را اندازه می‌گیرد. تخصیص ارز ارزان قیمت برای واردات نهاده‌های تولیدی در فرایند تولید محصولات و حذف تعرفه‌های گمرکی بر نهاده‌های وارداتی از ابزارهای حمایتی دولت در بازار نهاده‌ها محسوب می‌شود. ضریب حمایت اسمی بر نهاده‌ها از حاصل تقسیم هزینه نهاده‌های قابل تجارت، که عمدتاً وارداتی هستند، به قیمت بازاری همان هزینه‌ها بر حسب قیمت‌های سایه‌ای به دست می‌آید. چنانچه ضریب حمایت اسمی از نهاده‌ها بزرگ‌تر از یک باشد نشان دهنده حمایت منفی از نهاده‌ها، اگر کوچک‌تر از یک باشد نشان دهنده حمایت مثبت از نهاده‌ها، و چنانچه برابر با یک باشد عدم مداخله دولت در بازار

نهاد را نشان می‌دهد.

ضریب حمایت مؤثر^۱ (EPC) آثار ناشی از حمایت‌ها و مداخلات دولت در بازار محصول و بازار نهاده‌ها را به‌طور همزمان نشان می‌دهد و در واقع برآیند اثرخالص سیاست‌های اقتصاد داخلی را در دو بازار محصول و نهاده اندازه‌گیری می‌کند^۲. ضریب حمایت مؤثر از تقسیم تفاوت درآمد و هزینه نهاده‌های قابل تجارت به قیمت‌های بازاری به تفاوت مزبور بر حسب قیمت‌های سایه‌ای به دست می‌آید. به عبارت دیگر، $EPC = C_j \frac{R_i - RC_j}{M_i}$. چنانچه ضریب حمایت مؤثر بزرگ‌تر از واحد باشد، نشان دهنده حمایت مؤثر مثبت است و دلالت بر آن دارد که دولت از بازار محصولات و بازار نهاده به‌طور همزمان حمایت کرده است. اگر ضریب حمایت مؤثر کوچک‌تر از واحد باشد، نشان دهنده حمایت مؤثر منفی و حمایت مؤثر برابر با واحد عدم مداخله دولت در بازار محصول و نهاده را نشان می‌دهد.

با تطبیق کدهای ISIC و استفاده از پرسشنامه‌های سال ۱۳۷۳ مرکز آمار ایران از آمارهای درآمد و هزینه واحدهای تولیدی، و تفکیک هزینه‌های تجاری و غیر تجاری، ضریب حمایت اسمی از محصول و نهاده‌ها محاسبه شده است. برای روشن شدن مفهوم نرخ حمایت اسمی مثالی در خصوص تولیدات آلومینیومی ذکر می‌شود.

صنعت محصولات اساسی آلومینیومی در سال ۱۳۷۳ مبلغ ۱۲۳/۵ میلیون دلار نهاده وارداتی داشته است که با نرخ‌های موجود ارز و همچنین نرخ‌های تعرفه در کتاب قانون مقررات صادرات و واردات آمده است. با توجه به نرخ واقعی ارز^۳ در سال ۱۳۷۳ معادل ۱۸۹۰ ریال، هزینه واقعی این نهاده‌ها درحالتی که دولت در بازار نهاده‌ها مداخله نمی‌کرد معادل ۲۳۳/۴ میلیارد ریال بود. درحالی‌که با نرخ‌های رسمی (حمایتی) ارز هزینه بازاری این‌گونه نهاده‌ها معادل ۱۹۰/۲ میلیارد ریال است (پرسشنامه‌های مرکز آمار ایران)، نسبت هزینه بازاری به هزینه واقعی نهاده‌ها مبین حمایت دولت از بازار نهاده‌های وارداتی است که

1. effective protection coefficient.

2. Gonzales et al., "Economic Incentives and Comparative Advantage in Indonesian Food Crop Production," International Food Policy Research Institute, *Research Report* 1993.

۳. در ۱۳۷۳ نرخ ارز برای واردات ۷۰ ریال و نرخ ارز صادراتی ۱۷۵۰ ریال بوده است. فرمول مورد محاسبه نرخ ارز واقعی بر مبنای نرخ ارز رسمی ضربدر سهم ریال در نرخ ارزهای دلار، مارک، ین، پوند و فرانک فرانسه است. سهم هرکدام از این ارزها بر مبنای سهم آن‌ها در سبد حق برداشت مخصوص (SDR) است. برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به: بیژن ناصری، «بررسی نظریه برابری قدرت خرید ریال در مقابل دلار»، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی (منتشر شده).

در این صنعت ۰/۸۱ است. کوچک‌تر از واحد بودن ضریب نشان می‌دهد که این صنعت از حمایت‌های یارانه‌ای در زمینه نهادها استفاده کرده است. به عبارت دیگر، تولیدکنندگانی که در ساخت محصولات این صنعت فعالیت می‌کنند به میزان ۱۹ درصد کمتر از قیمت واقعی نهاده‌ها (باتوجه به نرخ واقعی ارز) پرداخت کرده‌اند.

ارزش درآمدهای بازاری محصولات اساسی آلومینیومی شامل محصولات فروخته شده در داخل کشور معادل ۶۱۳/۶ میلیارد ریال و صادرات معادل ۶۹/۷ میلیارد ریال است و مجموع ارزش درآمدهای بازاری در سال ۱۳۷۳ معادل ۶۸۳/۴ میلیارد ریال است. ارزش محصولات تولید شده با ارزش محصولات فروخته شده در داخل به علاوه ارزش صادرات متفاوت بوده که تفاوت آن موجودی انبار در سال‌های قبل است. در این محاسبات ارزش محصولاتی که در سال مذکور به فروش رفته ملاک محاسبه قرار گرفته است. از طرفی براساس اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه‌های آماری متوسط نرخ ارز صادراتی محقق شده در این صنعت در سال ۱۳۷۳ معادل ۲۷۳۴/۴ ریال به ازای هر دلار بوده است. اگر تمامی کالاهایی که در داخل به فروش رفته است با نرخ برابری مزبور به خارج از کشور صادر می‌شد، کل درآمد ارزی سال ۱۳۷۳ که از محل صادرات این کالا قابل وصول بوده معادل ۲۴۹/۹ میلیون دلار می‌شده است. از طرف دیگر، نرخ واقعی ارز که به عنوان تبدیل‌کننده درآمدهای بازاری به درآمدهای سایه‌ای در نظر گرفته شده و در واقع هزینه فرصت مناسب به دست آوردن یک واحد ارز خارجی را به ازای درآمدهای ریالی نشان می‌دهد، معادل ۱۸۹۰ ریال در سال ۱۳۷۳ محاسبه شده است. با ضرب کردن نرخ واقعی ارز در کل درآمدهای ارزی حاصل از صادرات آلومینیوم به خارج از کشور که تولیدکنندگان بدون هرگونه مداخله‌ای می‌توانستند به خارج صادر کنند، درآمد سایه‌ای این صنعت به دست می‌آید.

از تقسیم درآمدهای بازاری به درآمدهای سایه‌ای، ضریب حمایت اسمی از محصولات این صنعت معادل ۱/۴۵ به دست می‌آید. بزرگ‌تر از واحد بودن این ضریب نشان می‌دهد که دولت از بازار محصولات این صنعت حمایت کرده و نرخ حمایت اسمی ۴۵ درصد بوده

۱. این نرخ ارز براساس برابری قدرت خرید ریال در مقابل دلار و براساس سبد ارزی SDR محاسبه شده است. نرخ ارز صادراتی در سال مورد بررسی ۱۷۵۰ ریال و نرخ ارز برای واردات ۷۰ ریال بوده است و نرخ مذکور میانگین نرخ ارز مؤثر صادراتی و وارداتی براساس سهم ارزهای مختلف در سبد پولی SDR است.

است. به عبارت دیگر، درآمدهای سایه‌ای آن میزان از درآمدهایی را نشان می‌دهد که تولیدکنندگان ایرانی با توجه به ساختار واقعی قیمت ارز و بدون مداخله دولت می‌توانند حاصل‌کنند. درآمدهای بازاری نشان‌دهنده درآمدهایی است که با توجه به حمایت و دخالت دولت محقق‌گردیده است. ضریب حمایت اسمی ۴۵ درصد، به این معنا است که قیمت بازاری محصولات آلومینیومی در سال ۱۳۷۳ بیشتر از قیمت واقعی آن بوده و مداخله دولت باعث افزایش قیمت محصولات یاد شده به میزان ۴۵ درصد بیشتر از قیمت سایه‌ای آن شده است. با توجه به این دو مثال، اکنون نتایج ضرایب مختلف حمایت از برخی صنایع کارخانه‌ای ایران در جدول ۱ قید شده است. محاسبات مذکور بیان‌کننده این واقعیت‌اند که نرخ حمایت مؤثر تمامی صنایع مورد بررسی بزرگ‌تر از نرخ حمایت اسمی است.

جدول ۱: ضریب حمایت اسمی از بازار محصول، نهاده و نرخ حمایت مؤثر در صنایع مورد بررسی

| صنایع | ضرایب | درصد حمایت اسمی از بازار محصولات | درصد حمایت اسمی از نهاده‌ها | میزان حمایت مؤثر از صنایع |
|----------------------------|-------|----------------------------------|-----------------------------|---------------------------|
| تولید محصولات آلومینیومی | ۴۵ | ۱۹ | ۱۰۶ | |
| تولید محصولات آهن و فولاد | ۷ | ۱۶ | ۱۵ | |
| تولید انواع موتورسیکلت | ۱۵ | ۱۹ | ۳۰ | |
| تولید وسایط نقلیه موتوری | ۲۰ | ۲۵ | ۱۰۶ | |
| محصولات سرامیکی | ۴۳ | ۶۰ | ۷۰ | |
| سیمان | ۵۷ | ۱۴ | ۶۰ | |
| شیشه جام | ۴۳ | ۱۷ | ۶۰ | |
| تولید صابون و پاک‌کننده‌ها | ۴۴ | ۱۱ | ۱۰۰ | |
| تولید انواع رنگ روغن | ۴۶ | ۸ | ۱۰۳ | |
| تولید خمیر کاغذ و مقوا | ۳۸ | ۸ | ۴۷ | |

اندازه‌گیری ضرایب حمایتی در نرخ‌های متفاوت ارز

در محاسبه انجام شده، نرخ ارز محاسبه شده برای تبدیل درآمدهای بازاری به درآمدهای سایه‌ای معادل ۱۸۹۰ ریال به ازای هر دلار در نظر گرفته شده است. از آن‌جا که هر کدام از روش‌های محاسبه نرخ ارز واقعی خود دارای مشکلاتی است، نرخ ارز را در قالب سناریوهای مختلف ۱۷۵۰، ۳۰۰۰ و ۴۰۰۰ ریال به ازای هر دلار فرض و واکنش نرخ حمایت اسمی از بازار محصول و نهاده‌ها را تحلیل کرده‌ایم. نتایج در جدول ۲ بیان شده است.

جدول ۲: مقایسه نرخ حمایت اسمی و مؤثر از بازار محصول و نهاده‌ها

در سناریوهای متفاوت نرخ ارز

| درصد حمایت مؤثر | | | درصد حمایت از نهاده‌ها | | | درصد حمایت اسمی از محصولات | | | ضریب حمایتی |
|-----------------|------|------|------------------------|------|------|----------------------------|------|------|--------------------------------|
| | | | | | | ۴۰۰۰ | ۳۰۰۰ | ۱۷۵۰ | |
| ۴۰۰۰ | ۳۰۰۰ | ۱۷۵۰ | ۴۰۰۰ | ۳۰۰۰ | ۱۷۵۰ | ۴۰۰۰ | ۳۰۰۰ | ۱۷۵۰ | صنایع |
| -۳ | ۳۰ | ۱۲۲ | ۶۲ | ۴۹ | ۱۳ | -۳۱ | -۹ | ۵۷ | تولید محصولات آلومینیومی |
| -۴۶ | -۲۸ | ۲۴ | ۶۱ | ۴۸ | ۱۰ | -۵۰ | -۳۳ | ۱۵ | تولید محصولات آهن و فولاد |
| -۳۹ | -۱۸ | ۴۰ | ۶۲ | ۵۰ | ۱۳ | -۴۶ | -۲۸ | ۲۴ | تولید انواع موتورسیکلت |
| -۳۳ | ۰ | ۱۲۲ | ۶۵ | ۵۳ | ۱۹ | -۴۴ | -۲۵ | ۲۹ | تولید انواع وسایط نقلیه موتوری |
| ۲۰ | ۷ | ۸۴ | ۷۲ | ۶۶ | ۳۵ | -۳۳ | -۱۱ | ۵۴ | تولید محصولات گیلی و سرمیگی |
| -۲۴ | ۰ | ۷۳ | ۶۰ | ۴۶ | ۷ | -۲۶ | -۱ | ۷۰ | تولید سیمان |
| -۲۴ | ۰ | ۷۳ | ۵۶ | ۴۲ | ۰ | -۳۳ | -۱۱ | ۵۴ | تولید شیشه جام |
| -۶ | ۲۶ | ۱۱۶ | ۵۸ | ۴۴ | ۴ | -۳۲ | -۹ | ۵۶ | تولید صابون و پاک‌کننده‌ها |
| -۶ | ۲۸ | ۱۱۹ | ۵۷ | ۴۲ | ۱ | -۳۱ | -۸ | ۵۸ | تولید انواع رنگ روغن |
| -۳۱ | -۷ | ۵۹ | ۵۷ | ۴۲ | ۱ | -۳۵ | -۱۳ | ۴۹ | تولید خمیرک غذومقوا |
| -۷ | ۲۴ | ۱۱۳ | ۵۶ | ۴۲ | ۰ | -۱۳ | ۱۶ | ۹۹ | تولید صنایع جوراب بافی |
| -۱۷ | ۱۰ | ۹۰ | ۵۸ | ۴۴ | ۳ | -۲۸ | -۳ | ۶۶ | تولید منسوجات |

مأخذ: براساس اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه‌های مرکز آمار ایران در سال ۱۳۷۳.

ارقام جدول ۲ نشان می‌دهد که با افزایش نرخ ارز از ۱۷۵۰ ریال به ۳۰۰۰ و ۴۰۰۰ ریال، درصد حمایت اسمی از محصول اغلب صنایع کاهش می‌یابد. اما این ظاهر قضیه است. چنانچه نرخ ارز برای نهاده‌ها را از ۱۷۵۰ ریال به ۳۰۰۰ و ۴۰۰۰ ریال افزایش دهیم، در این صورت نرخ حمایت از نهاده‌ها افزایش می‌یابد. به بیان دیگر، اگر نرخ‌های واقعی ارز را نزدیک به قیمت‌های بازاری و آزاد ارز در سال ۱۳۷۳ تصور کنیم، حمایت‌هایی که دولت از بازار نهاده صنایع انجام داده بسیار زیاد بوده و بسیاری از صنایع از یارانه‌های حمایتی دولت بهره‌مند شده‌اند. برای مثال، بازار نهاده محصولات سرامیکی به میزان ۷۲ درصد از حمایت‌های دولت منتفع شده‌اند و تولیدکنندگان داخلی محصول مذکور به میزان ۷۲ درصد کمتر از قیمت واقعی نهاده‌های مربوط به این صنعت هزینه کرده‌اند. در نرخ ارز ۴۰۰۰ ریال تمامی صنایع از حمایت نهاده‌ای برخوردارند. اما برآیند حمایت مؤثر در تمامی صنایع منفی است.

نرخ تعرفه مؤثر در صنایع مورد بررسی

علاوه بر نرخ حمایت مؤثر که حمایت‌های کلی از یک صنعت را نشان می‌دهد، نرخ تعرفه مؤثر در صنایع مورد بررسی محاسبه شده است. نرخ تعرفه عمدتاً بر واردات کالا وضع می‌شود و از دو جزء حقوق گمرکی و سود بازرگانی تشکیل شده است. به جز وسایل نقلیه موتوری زمینی و موتورسیکلت که عوارض دریافتی آن‌ها بر اساس قانون چگونگی محاسبه و وصول حقوق گمرکی و سود بازرگانی و مالیات انواع خودرو مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۲ وصول شده، سایر عوارض تعرفه‌ای بر اساس قانون مقررات صادرات و واردات و در قالب نرخ‌های سود بازرگانی وصول شده است. مبنای محاسبه نرخ سود بازرگانی بر اساس مصوب ۱۳۷۲/۷/۲۷ دولت بر مبنای نرخ ارز شناور محاسبه می‌شود. جدول ۳ میزان واردات نرخ اسمی تعرفه (سود بازرگانی) برای کالاهای مورد بررسی را نشان می‌دهد. متوسط نرخ تعرفه از حاصل تقسیم سود بازرگانی با نرخ‌های قانونی به ارزش واردات به دست آمده است. متوسط نرخ تعرفه قانونی برای صابون و شوینده‌ها با ۲۵/۲ درصد بالاترین و برای سیمان با ۵ درصد پایین‌ترین رقم را تشکیل می‌دهد. این نرخ‌ها قانونی هستند. برای آگاهی از این که نرخ‌های اسمی تعرفه تا چه حد در عمل تحقق یافته است، متوسط نرخ تعرفه تحقق یافته در جدول ۴ قید شده است. در بسیاری از موارد، تعرفه (سود بازرگانی) محقق شده با تعرفه اسمی

شکاف قابل توجهی را نشان می‌دهد، که از دلایل عمده می‌توان به معافیت‌های اعطایی توسط هیئت وزیران به برخی کالاها، مجوز تقسیط بدهی سود بازرگانی به برخی از شرکت‌های دولتی، معافیت ورود موقت مواد اولیه مورد استفاده در تولید کالاهای صادراتی اشاره کرد. با توجه به چنین وضعیتی در ساختار نظام تعرفه‌ای اقتصاد کشور، نرخ تعرفه مؤثر بر اساس فرمول زیر محاسبه شده است.

$$E_j = \frac{t_j - a_{ij}.t_i}{1 - a_{ij}}$$

جدول ۳: میزان واردات و نرخ اسمی (قانونی) سود بازرگانی (تعرفه) برای کالاها در گروه‌های مختلف صنایع، ۱۳۷۳

| ردیف | صنعت | ارزش واردات* (میلیارد ریال) | سود بازرگانی با نرخ‌های قانونی (میلیارد ریال) | متوسط نرخ تعرفه قانونی (درصد) |
|------|--|--------------------------------|---|----------------------------------|
| ۱ | محصولات آهن و فولاد | ۱۱۸۳/۲ | ۶۹/۳ | ۵/۸ |
| ۲ | محصولات آلومینیوم | ۷۱/۴ | ۶/۳۷ | ۸/۹ |
| ۳ | سیمان | ۰/۴۸ | ۰/۰۲۴ | ۵ |
| ۴ | محصولات گلی و سرامیکی | ۴۹/۵ | ۹/۱۶ | ۱۸/۵ |
| ۵ | صابون و پاک‌کننده‌ها | ۲۰/۳۳ | ۵/۱۳ | ۲۵/۲ |
| ۶ | خمیر کاغذ، کاغذ و مقوا | ۴۵۷/۷۶ | ۳۷/۰۲ | ۸/۱ |
| ۷ | رنگ و مواد مربوطه | ۱۵۰/۵۷ | ۵/۹۳ | ۳/۹ |
| ۸ | شیشه | ۷۶/۹۹ | ۹/۱۲ | ۱۱/۸ |
| ۹ | وسایل نقلیه زمینی (بدون موتورسیکلت) | ۸۶۵/۶ | ۷۷/۶ | ۸/۹۶ |
| ۱۰ | موتورسیکلت | ۵۵/۲ | ۵/۵ | ۱۰ |
| ۱۱ | منسوجات | ۷۶۱/۲ | ۸۴/۷ | ۱۱/۱ |
| ۱۲ | تراکتور | ۳۹/۹۵ | ۲/۱۲ | ۵/۳ |

* منظور از واردات مجموع ارزش ریالی واردات، مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و نهایی است. مأخذ: محاسبه شده بر اساس اطلاعات اداره آمار و خدمات ماشینی گمرک جمهوری اسلامی و نرخ‌های مندرج در قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۱۳۷۲/۷/۴.

جدول ۴: میزان واردات، سود بازرگانی وصول شده و نرخ تعرفه محقق برای کالاها در گروه‌های مختلف صنایع، ۱۳۷۳

| ردیف | صنعت | میزان واردات ^۱ (میلیارد ریال) | سود بازرگانی محقق (میلیارد ریال) | متوسط نرخ تعرفه محقق (درصد) |
|------|----------------------------------|---|-------------------------------------|--------------------------------|
| ۱ | محصولات آهن و فولاد | ۱۱۸۳/۲ | ۳۲/۹ | ۲/۸ |
| ۲ | محصولات آلومینیوم | ۷۱/۴ | ۴/۵۸ | ۶/۴ |
| ۳ | سیمان* | ۲/۰۶ | ۰/۰۹۷ | ۴/۷ |
| ۴ | محصولات گلی و سرامیکی | ۴۹/۵ | ۵/۸۹ | ۱۱/۹ |
| ۵ | صابون و پاک‌کننده‌ها* | ۲۵/۷۷ | ۴/۵۷ | ۱۷/۷ |
| ۶ | خمیر کاغذ، کاغذ و مقوا | ۴۵۷/۷۶ | ۱۶/۹۵ | ۳/۷ |
| ۷ | رنگ و مواد مربوطه | ۱۵۰/۵۷ | ۶/۲۵ | ۴/۲ |
| ۸ | شیشه | ۷۷ | ۴/۸۶ | ۶/۳ |
| ۹ | وسایل نقلیه زمینی ^۲ * | ۶۵۲/۳ | ۴۷/۱۵ | ۷/۲ |
| ۱۰ | موتورسیکلت ^۳ * | ۴۹/۷۸ | ۵/۷۴ | ۱۱/۵ |
| ۱۱ | منسوجات | ۷۶۱/۲ | ۳۴/۳ | ۴/۵ |
| ۱۲ | تراکتور* | ۴/۸۶ | ۰/۵۲ | ۱۰/۶ |

* ارقام مربوط به ۱۳۷۴ است.

۱. میزان واردات مربوط به کل واردات کالاهای نهایی، مواد اولیه و واسطه‌ای صنایع مورد بررسی است.
 ۲. رقم ستون سود بازرگانی محقق در مورد این ردیف شامل حقوق گمرکی و سود بازرگانی است.
 ۳. رقم ستون سود بازرگانی محقق در این مورد ردیف شامل حقوق گمرکی و سود بازرگانی است.
- مأخذ: محاسبه شده براساس آمار دریافتی از اداره آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران.

که E_j نرخ تعرفه مؤثر، α_j نرخ تعرفه اسمی بر کالای نهایی، λ_j نرخ تعرفه اسمی بر کالای واسطه‌ای، و α_{ij} سهم واردات کالای واسطه‌ای در ارزش نهایی کالای مورد نظر را نشان می‌دهد. در مطالعه حاضر به جای محاسبه نرخ تعرفه مؤثر تک تک کالاها، هدف محاسبه نرخ

تعرفه مؤثر گروه‌های کالایی است و متغیرها به شکل کلی تری تعریف شده‌اند. به نحوی که E_j نرخ تعرفه مؤثر در صنعت مورد بررسی، t_j نرخ تعرفه محقق بر کالای نهایی صنعت، t_i نرخ تعرفه محقق بر کالای واسطه‌ای صنعت، و a_{ij} سهم واردات کالای واسطه‌ای در ارزش ستانده کل صنعت مورد نظر است. لذا هر یک از سه متغیر t_j ، t_i و a_{ij} به صورت زیر تعریف می‌شوند:

$$t_j = \frac{\text{سود بازرگانی بر کالای نهایی صنعت}}{\text{واردات کالای نهایی صنعت}}$$

$$t_i = \frac{\text{سود بازرگانی بر مواد اولیه واسطه‌ای صنعت}}{\text{واردات مواد اولیه و واسطه‌ای صنعت}}$$

$$a_{ij} = \frac{\text{واردات مواد اولیه و واسطه‌ای صنعت}}{\text{ارزش کالای نهایی صنعت}}$$

که در این جا a_{ij} برداشت کلی تری نسبت به آنچه در جداول داده - ستانده وجود دارد، مدنظر دارد. به عبارت دیگر، شاخص a_{ij} به مفهوم سهم کالای i ام در کل ارزش کالای j ام است و از تقسیم ارزش واردات مواد اولیه و واسطه‌ای صنعت به کل ارزش ستانده صنعت به دست می‌آید. فرض غیر قابل اجتنابی که وجود دارد، این است که واردات مواد اولیه و واسطه‌ای صنعت در سال مورد نظر در تولیدات همان سال صنعت به کار گرفته شده‌اند.

براین مبنا، کالاهای وارداتی براساس واسطه‌ای و نهایی براساس جدول ۵ تفکیک شده است. به علت عدم دسترسی به آمار سود بازرگانی سال ۱۳۷۳ برای برخی از گروه کالاهای مورد بررسی، نرخ‌های تعرفه اسمی محاسبه شده برای واردات کالاهای واسطه‌ای و نهایی مربوط به سال ۱۳۷۴ است (قوانین مربوط به عوارض وصول شده اعم از حقوق گمرکی، سود بازرگانی و مالیات [در مورد خودرو] در سال ۱۳۷۴ همان قوانین سال ۱۳۷۳ است و تغییرات اساسی در مکانیسم وصول این‌گونه عوارض صورت نگرفته است). با اشراف به این مطلب، سود بازرگانی کالای نهایی به واردات مواد اولیه و واسطه‌ای و سود بازرگانی مواد اولیه و واسطه‌ای محاسبه و براین اساس نرخ تعرفه تحقق یافته کالای نهایی وارداتی و کالای واسطه‌ای و سهم کالاهای واسطه‌ای وارداتی در ارزش کالای نهایی جدول‌های ۶ و ۷ محاسبه و

بر مبنای آن نرخ تعرفه مؤثر در سال ۱۳۷۳ در صنایع مذکور محاسبه شد. در جدول ۸، محاسبات نشان می‌دهد که نرخ تعرفه مؤثر در مورد صنایع مورد بررسی به استثنای نرخ مؤثر تعرفه وسایل نقلیه زمینی پایین است. خصوصاً چنانچه این نرخ با نرخ‌های تعرفه مؤثر کشورهای در حال توسعه هم‌تراز ایران مقایسه شود، برای مثال نرخ‌های تعرفه در اواخر دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در اکثر کشورهای مورد بررسی (برزیل، آرژانتین، مصر، کلمبیا، پاکستان، کره جنوبی، ترکیه، بنگلادش) کاهش داده شده است، به طوری که در برزیل متوسط نرخ تعرفه‌ها از ۳۲ درصد به ۱۴ درصد تقلیل یافته است. در کشورهایی نظیر مصر، پاکستان و بنگلادش حتی پس از اصلاحات کاهش نرخ‌های تعرفه، نرخ‌ها هنوز در حدی بالاتر از ۳۰ درصد قرار دارند. با توجه به این شواهد، نرخ‌های اسمی و تعرفه در ایران در صنایع مورد بررسی به جز وسایل نقلیه زمینی در مقایسه با نرخ‌های تعرفه سایر کشورهای در حال توسعه پایین است و در سطح مناسبی قرار دارد. میانگین وزنی نرخ تعرفه محقق در مورد کل واردات ایران در ۱۳۷۳ حدود ۳/۳ درصد و تأییدی بر یافته‌های مطالعه حاضر است.^۱ نرخ بالای تعرفه مؤثر برای صنعت اتومبیل، در نظر گرفتن مالیات‌های غیرمستقیم و وصولی از اتومبیل‌های وارداتی علاوه بر حقوق گمرکی، سود بازرگانی و واردات کالاهای این صنعت است. به هر حال، رقم ۱۶۰/۴ درصد حاکی از حمایت قابل توجه دولت از صنعت اتومبیل در کشور است، هر چند حمایت‌های ارزی در این محاسبات در نظر گرفته نشده و فرض شده که این حمایت از طریق مابه‌التفاوت‌های سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان از خودروهای تولید داخل خنثی می‌شود، اما این صنعت شدیداً مورد حمایت دولت قرار گرفته است.

عوارض شبه تعرفه‌ای

ابزار و موانع شبه تعرفه‌ای نوع دیگری از روش‌ها و ابزارهای حمایتی هستند. هدف از وضع این‌گونه عوارض ممکن است انگیزه یا هدف درآمدی باشد. عوارض شهرداری، عوارض تعاون، عوارض هلال احمر، عوارض خودرو، مالیات مصرف‌کننده خودروهای وارداتی، عوارض محیط زیست، عوارض بندری، عوارض آسفالت، عوارض هوایی، عوارض ویژه،

جدول شماره ۵: طبقه‌بندی کالاها در صنایع مورد نظر به تفکیک کالاهای واسطه‌ای و اولیه و کالاهای نهایی

| ردیف | صنعت | کالاهای واسطه‌ای و اولیه | کالاهای نهایی |
|------|------------------------|--------------------------------------|--|
| ۱ | محصولات آهن و فولاد | ۷۳۰۱-۹ الف ۷۳۱۰ ل ۷۳۱۵ الف - ل | ب ۷۳۱۰ ۷۳۱۱-۱۴ م ۷۳۱۵ - الف ط ۷۳۱۶-۴۰ |
| ۲ | محصولات آلومینیوم | ۷۶۰۱ و ۷۶۰۵ | ۷۶۰۲-۴ ۷۶۰۶-۱۶ |
| ۳ | سیمان | — | ۲۵۲۳ |
| ۴ | محصولات گلی و سرامیکی | — | ۶۹۰۱-۱۴ |
| ۵ | صابون و پاک‌کننده‌ها | — | ۲۴۰۱-۲ |
| ۶ | خمیر کاغذ، کاغذ و مقوا | فصل ۴۷ | فصل ۴۸ |
| ۷ | رنگ و مواد مربوطه | — | فصل ۳۲ |
| ۸ | شیشه | ۷۰۰۱-۳ | ۷۰۰۴ - ۷۰۲۱ |
| ۹ | وسایل نقلیه زمینی | ۸۷۰۴ - ۶ | ۸۷۰۲ - ۳ |
| ۱۰ | موتورسیکلت | الف ۸۷۱۲ | ۸۷۰۹ |
| ۱۱ | منسوجات | — | — |
| ۱۲ | تراکتور | — | ۸۷۰۱ |

مأخذ: قانون مقررات صادرات و واردات و طبقه‌بندی صورت‌گرفته در طرح مطالعاتی.

- کد تعرفه‌ای متناظر با کالای اولیه وجود نداشته است.

جدول شماره ۶: ارقام برخی شاخص‌های مربوط به صنایع مورد بررسی، ۱۳۷۳

(میلیارد ریال)

| ردیف | صنعت | واردات کالای نهایی | سودبازرگانی کالای نهایی | واردات مواد اولیه و واسطه‌ای | سودبازرگانی مواد اولیه و واسطه‌ای | ارزش ستانده |
|------|-----------------------|--------------------|-------------------------|------------------------------|-----------------------------------|-------------|
| ۱ | محصولات آهن و فولاد | ۱۰۲۵/۵ | ۳۱/۷۸ | ۱۵۷/۷ | ۱/۱۲ | ۳۰۵۶/۳ |
| ۲ | محصولات آلومینیوم | ۵۵/۴ | ۴/۵۸ | ۱۶ | — | ۶۹۶/۱ |
| ۳ | سیمان* | ۲/۰۶ | ۰/۰۹۷ | — | — | ۷۸۴/۷ |
| ۴ | محصولات گلی و سرامیکی | ۴۹/۵ | ۵/۸۹ | — | — | ۳۱۴/۱ |
| ۵ | صابون و پاک‌کننده‌ها* | ۲۵/۷۷ | ۴/۵۷ | — | — | ۷۷۰/۵ |
| ۶ | کاغذ و مقوا | ۴۴۲/۹ | ۱۶/۹۵ | ۱۴/۹۶ | — | ۳۲۴ |
| ۷ | رنگ و مواد مربوطه | ۱۵۰/۵۷ | ۶/۲۵ | — | — | ۴۱۰/۴ |
| ۸ | شیشه | ۴۹/۶ | ۴/۱۳ | ۲۷/۴ | ۰/۷۳ | ۱۶۸/۸ |
| ۹ | وسایل نقلیه زمینی*† | ۵۶/۵۵ | ۵۴/۶۳ | ۵۹۵/۷۲ | ۳۳/۷۶ | ۱۶۶۱/۵ |
| ۱۰ | موتورسیکلت*† | ۲۸/۸ | ۵ | ۲۰/۹۸ | ۲/۱۸ | ۱۳۱/۱ |
| ۱۱ | منسوجات | — | — | — | — | ۳۴۴۹/۱ |
| ۱۲ | تراکتور* | ۴/۸۶ | ۰/۵۲ | — | — | ۱۲۵ |

* ارقام واردات و سود بازرگانی مربوط به ۱۳۷۴ است.

† ارقام سود بازرگانی شامل حقوق گمرکی، سود بازرگانی و مالیات بر واردات است.

توضیح: کُد تعرفه ای متناسب با واردات مواد اولیه واسطه‌ای و محصولاتی که با خط تیره مشخص شده، براساس آمار گمرک در سال ۱۳۷۳، وجود نداشته است.

مأخذ ستون آخر: مرکز آمار ایران، مأخذ سایر ستون‌ها: اداره آمار و خدمات ماشینی گمرک و محاسبات موجود در طرح.

جدول شماره ۷: نرخ تعرفه اسمی به تفکیک کالاهای واسطه‌ای و نهایی صنایع مورد بررسی و سهم کالاهای واسطه‌ای وارداتی در ارزش نهایی هریک از صنایع مورد بررسی، ۱۳۷۳^۱

(ارقام به درصد)

| ردیف | صنعت | نرخ تعرفه محقق کالای نهایی وارداتی (z ₁) | نرخ تعرفه محقق کالای واسطه‌ای وارداتی (z ₂) | سهم کالاهای واسطه‌ای وارداتی در ارزش کالاهای نهایی (z ₂ /z ₁) |
|------|-----------------------|--|---|--|
| ۱ | محصولات آهن و فولاد | ۳/۰۹ | ۰/۷۱ | ۳/۸۹ |
| ۲ | محصولات آلومینیوم | ۸/۳ | ۰ | ۲/۳ |
| ۳ | سیمان | ۴/۷ | ۰ | ۰ |
| ۴ | محصولات گلی و سرامیکی | ۱۱/۹ | ۰ | ۰ |
| ۵ | صابون و پاک‌کننده‌ها | ۱۷/۷ | ۰ | ۰ |
| ۶ | کاغذ و مقوا | ۳/۸۳ | ۰ | ۴/۶ |
| ۷ | رنگ و مواد مربوطه | ۴/۱۵ | ۰ | ۰ |
| ۸ | شیشه | ۸/۳ | ۲/۶۶ | ۱۶/۲ |
| ۹ | وسایل نقلیه زمینی ۳ | ۹۶/۶ | ۷/۳۵ | ۴۱/۷ |
| ۱۰ | موتورسیکلت ۴ | ۱۷/۴ | ۱۰/۴ | ۱۸/۶ |
| ۱۱ | منسوجات | — | — | — |
| ۱۲ | تراکتور | ۱۰/۷ | ۰ | ۰ |

پژوهشگاه علمی انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال بین‌علوم‌انسانی

۱. ارقام مربوط به z₁، z₂ و ردیف‌های ۳ و ۵ و ۹ و ۱۰ و ۱۲ مربوط به ۱۳۷۴ است.
۲. به جز آلومینیوم و کاغذ که نرخ قانونی تعرفه کالای واسطه‌ای آن‌ها صفر است، علت صفر شدن سایر نرخ‌ها (z₂) ناشی از صفر بودن واردات واسطه‌ای این گروه‌ها است.
- ۳ و ۴. با توجه به این‌که ارقام واردات این گروه‌ها مربوط به ۱۳۷۴ است، در محاسبه z₂ آن‌ها از ارقام این جدول استفاده نشده است، بلکه ارقام واردات مواد اولیه و واسطه‌ای استفاده شده در محاسبات z₂ مربوط به ۱۳۷۳ است که برای ردیف‌های ۹ و ۱۰ جدول به ترتیب ۶۹۲/۸ و ۲۴/۴ میلیارد ریال بوده است.
- مأخذ: براساس محاسبات انجام شده در طرح، و اداره آمار و خدمات ماشینی گمرک.

جدول شماره ۸: نرخ تعرفه مؤثر (حمایت مؤثر) صنایع مورد بررسی، ۱۳۷۳

(ارقام به درصد)

| ردیف | صنعت | نرخ تعرفه مؤثر |
|------|-----------------------|----------------|
| ۱ | محصولات آهن و فولاد | ۳/۱۹ |
| ۲ | محصولات آلومینیوم | ۸/۳ |
| ۳ | سیمان | ۴/۷ |
| ۴ | محصولات گلی و سرامیکی | ۱۱/۹ |
| ۵ | صابون و پاک‌کننده‌ها | ۱۷/۷ |
| ۶ | کاغذ و مقوا | ۴/۰۱ |
| ۷ | رنگ و مواد مربوطه | ۴/۱۵ |
| ۸ | شیشه | ۹/۴ |
| ۹ | وسایل نقلیه زمینی | ۱۶۰/۴ |
| ۱۰ | موتورسیکلت | ۱۹ |
| ۱۱ | منسوجات | — |
| ۱۲ | تراکتور | ۱۰/۷ |

مأخذ: براساس محاسبات انجام شده در طرح.

عوارض کرایه حمل، عوارض ماشین‌آلات چاپی، عوارض بهداری، عوارض وسایل سمعی و بصری، عوارض نوار، عوارض صندوق ضمانت صادرات، حق ثبت سفارش از انواع عوارض شبه تعرفه‌ای محسوب می‌شوند. به علت عدم دسترسی به آمار مبالغ ریالی عوارض دریافتی دولت و یا مؤسسات وابسته و به علت عدم محاسبه دقیق عوارض دریافتی بابت موارد یاد شده صرفاً نرخ‌های قانونی و مأخذ وصول برخی از این عوارض که به نوعی با صنایع مورد بررسی مرتبط است، در جدول ۹ در نظر گرفته شده است. به استثنای عوارض خودرو (ردیف‌های ۴، ۵، ۶) عوارض مذکور نسبتاً اندک و در برخی صنایع کمتر از یک درصد است، اما با مداخله

دقیق می‌توان دریافت که نرخ ارز مورد استفاده برای تعیین ارزش مبنای هریک از عوارض مندرج در سه ردیف اول و دهم، نرخ ارز ۷۰ ریالی است، درحالی‌که برای تعیین نرخ سود بازرگانی نرخ ارز شناور مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین، نرخ عوارض مربوط به ردیف‌های ۷، ۸، ۹ و ۱۰ (عوارض بهداری) تقریباً اندک است.

جدول ۹: انواع عوارض شبه تعرفه‌ای که به نوعی با اقلام وارداتی صنایع مورد بررسی مرتبط‌اند

| ردیف | عنوان | نوع عوارض | مأخذ وصول | نرخ یا میزان |
|------|---------------------------------|---------------------------------|--|--|
| ۱ | عوارض شهرداری | عوارض شهرداری | حقوق گمرکی و سود بازرگانی * | ۶ درصد |
| ۲ | عوارض تعاون | عوارض تعاون | حقوق گمرکی و سود بازرگانی * | ۱/۵ و ۱ درصد |
| ۳ | عوارض هلال احمر | عوارض هلال احمر | حقوق گمرکی و سود بازرگانی * | ۱/۵ درصد |
| ۴ | عوارض خودرو و (مالیات خودرو) | عوارض خودرو و (مالیات خودرو) | ارزش ریالی خودروهای وارداتی | (متفاوت براساس نوع و ارزش خودرو) |
| ۵ | عوارض خودرو (مالیات مصرف‌کننده) | عوارض خودرو (مالیات مصرف‌کننده) | ارزش ریالی خودروهای وارداتی هنگام شماره گذاری | ۱۵ درصد |
| ۶ | عوارض محیط زیست | عوارض محیط زیست | ارزش ریالی خودروهای سواری وارداتی | ۱ درصد |
| ۷ | عوارض بندری | عوارض بندری | ارزش ریالی کالاهای وارداتی از طریق دریا | ۴۰ ریال به‌ازای هر تن کالای وارداتی. ۱۳ ریال به‌ازای هر تن کالای صادراتی |
| ۸ | عوارض آسفالت | عوارض آسفالت | ارزش ریالی کالاهای وارداتی از طریق زمین | ۱۵ ریال به‌ازای هر تن |
| ۹ | عوارض هوایی | عوارض هوایی | ارزش ریالی کالاهای وارداتی از طریق خطوط هوایی | ۱۵ ریال به‌ازای هر کیلوگرم |
| ۱۰ | عوارض ویژه ** | عوارض ویژه ** | حقوق گمرکی و سود بازرگانی * | ۱ درصد |
| ۱۱ | عوارض کرایه حمل | عوارض کرایه حمل | ارزش ریالی کالاهای وارد شده با وسایل نقلیه غیرایرانی بدون موافقت وزارت راه | ۱۰ درصد |
| ۱۲ | عوارض بهداری | عوارض بهداری | کالاهای وارداتی (به‌مأخذ نرخ ارز شناور صادراتی) | ۵ ریال به‌ازای هر تن |

* مجموع حقوق گمرکی و سود بازرگانی بر مبنای نرخ ارز ۷۰ ریالی.

** یک درصد مجموع حقوق گمرکی و سود بازرگانی از واردات انجام شده توسط واردکنندگان غیردولتی.

مأخذ: مجموعه قوانین مختلف.

جدول ۱۰: روند مجموع عوارض وارداتی کشور

(میلیارد ریال)

| سال | حقوق گمرکی و سودبازرگانی | حق ثبت سفارش | مالیات بر واردات اتومبیل | جمع عوارض وارداتی (مالیات بر واردات) |
|------|--------------------------|--------------|--------------------------|--------------------------------------|
| ۱۳۵۸ | ۹۵/۸ | ۲/۷۳ | ۱/۵ | ۱۰۰/۰۳ |
| ۱۳۵۹ | ۱۵۲/۱ | ۷/۱ | ۰/۹۱ | ۱۶۰/۱۱ |
| ۱۳۶۰ | ۱۵۵/۶ | ۵/۸۴ | ۰/۴۸ | ۱۶۱/۹ |
| ۱۳۶۱ | ۱۵۵/۲ | ۲۷/۱۸ | ۰/۹۵ | ۱۸۳/۳۳ |
| ۱۳۶۲ | ۲۶۸/۴۱ | ۵۰/۴ | ۵/۳ | ۳۲۴/۲۱ |
| ۱۳۶۳ | ۲۷۵/۶ | ۳۰/۲ | ۵/۵۶ | ۳۱۱/۳۶ |
| ۱۳۶۴ | ۲۲۴/۳ | ۲۶/۹۶ | ۷/۳۸ | ۲۵۸/۶۴ |
| ۱۳۶۵ | ۱۹۴/۹ | ۲۰/۴ | ۳/۷ | ۲۱۹ |
| ۱۳۶۶ | ۱۵۲/۹ | ۴۴/۷ | ۱/۹ | ۱۹۹/۵ |
| ۱۳۶۷ | ۱۰۷/۲ | ۳۵/۴ | ۱/۰۶ | ۱۴۳/۶۶ |
| ۱۳۶۸ | ۱۶۰/۹ | ۱۸۴/۳ | ۱/۴۱ | ۳۴۶/۶۱ |
| ۱۳۶۹ | ۲۷۶/۳ | ۲۱۴/۸ | ۷/۵ | ۴۹۸/۶ |
| ۱۳۷۰ | ۵۶۹/۱ | ۳۰۶/۲ | ۷۱/۷ | ۹۴۷ |
| ۱۳۷۱ | ۷۰۲/۲ | ۴۰۰/۱ | ۱۲۱/۲ | ۱۲۲۳/۵ |
| ۱۳۷۲ | ۶۵۴ | ۲۵۲/۷ | ۲۰۴/۹ | ۱۱۱۱/۶ |
| ۱۳۷۳ | ۷۳۱ | ۳۸۹/۶ | ۱۴۵/۶ | ۱۲۸۲/۵۵ |
| ۱۳۷۴ | ۷۹۲/۴ | ۴۰۴/۸ | ۴۳/۷ | ۱۲۴۹/۸۵ |
| ۱۳۷۵ | ۱۵۳۶/۵ | ۱۳۵۷/۶ | ۳۰/۹ | ۲۹۳۱ |
| ۱۳۷۶ | ۲۰۵۳/۷ | ۲۱۶۲/۷ | ۴۸/۴ | ۴۲۶۴/۸ |

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، قانون بودجه کل کشور، سال‌های مختلف.

جدول ۱۱: نرخ تعرفه کل روی واردات کشور

(ارقام مینیار ریال / نرخ‌ها به درصد)

| سال | ارزش واردات (به قیمت جاری) | مالیات بر واردات | نرخ تعرفه |
|------|-------------------------------|------------------|-----------|
| ۱۳۵۸ | ۹۲۱/۲ | ۱۰۰/۳ | ۱۰/۸۶ |
| ۱۳۵۹ | ۱۰۸۹ | ۱۶۰/۱۱ | ۱۴/۷ |
| ۱۳۶۰ | ۱۲۶۰/۱ | ۱۶۱/۹ | ۱۲/۸۵ |
| ۱۳۶۱ | ۱۲۵۰/۹ | ۱۸۳/۳۳ | ۱۴/۶۶ |
| ۱۳۶۲ | ۱۸۵۰/۶ | ۳۲۴/۱۱ | ۱۷/۵۱ |
| ۱۳۶۳ | ۱۶۰۵/۳ | ۳۱۱/۳۶ | ۱۹/۴۰ |
| ۱۳۶۴ | ۱۲۶۶/۲ | ۲۵۸/۶۴ | ۲۰/۴۳ |
| ۱۳۶۵ | ۹۳۵ | ۲۱۹ | ۲۳/۴۲ |
| ۱۳۶۶ | ۹۵۰/۳ | ۱۹۹/۵ | ۲۱ |
| ۱۳۶۷ | ۱۷۵۶ | ۱۴۳/۶۶ | ۸/۱۸ |
| ۱۳۶۸ | ۳۵۹۳/۶ | ۳۴۶/۶۱ | ۹/۶۴ |
| ۱۳۶۹ | ۶۷۹۲ | ۴۹۸/۶ | ۷/۳۴ |
| ۱۳۷۰ | ۹۷۴۸/۸ | ۹۴۷ | ۹/۷۱ |
| ۱۳۷۱ | ۱۲۳۱۹/۳ | ۱۲۲۳/۵ | ۹/۹۳ |
| ۱۳۷۲ | ۲۱۴۳۱/۱ | ۱۱۱۱/۶ | ۵/۱۸ |
| ۱۳۷۳ | ۲۲۷۸۵/۲ | ۱۲۸۲/۵۵ | ۵/۶۲ |
| ۱۳۷۴ | ۲۴۸۵۰/۸ | ۱۲۴۹/۸۵ | ۵/۰۳ |
| ۱۳۷۵ | ۳۲۳۰۴/۸ | ۲۹۳۱ | ۹/۰۷ |
| ۱۳۷۶ | — | ۴۲۶۴/۸ | — |

مأخذ: گمرک ایران، سالنامه آمار بازرگانی کشور، سال‌های مختلف.

آنچه که در خصوص نرخ‌های شبه تعرفه‌ای می‌توان بیان کرد، علاوه بر تعدد این نرخ‌ها، مشکلات دست و پاگیری است که در نظام تجاری کشور ایجاد می‌کند و مشکلاتی که نحوه تخصیص درآمد حاصل از این عوارض در بودجه‌های سالانه کشور به وجود می‌آورده تجدید نظر اساسی و حتی حذف بسیاری از عوارض مذکور می‌تواند به بهبود نظام حمایتی کشور و منطقی شدن آن کمک کند.

علاوه بر این روند، مجموع عوارض وارداتی کشور و نرخ تعرفه بر آن در جدول‌های ۱۰ و ۱۱ درج شده است. روند کلی نشان دهنده کاهش نرخ‌های تعرفه بر واردات کشور است.

نتیجه‌گیری

۱. یکی از نتایج مطالعه حاضر این است که در صنایع مورد بررسی (شامل صنایع تولید آلومینیوم، تولید محصولات آهن و فولاد، تولید انواع موتورسیکلت، تولید وسایط نقلیه موتوری، محصولات گلی و سرامیکی، تولید سیمان، تولید شیشه، صابون و پاک‌کننده‌ها، انواع رنگ روغن، خمیر کاغذ و مقوا، صنایع جوراب بافی و تولید منسوجات در نرخ ارز ۱۸۹۰ ریالی، نرخ حمایت از بازار محصول مثبت بوده است و نرخ حمایت مؤثر در تمام صنایع مورد بررسی بیشتر از نرخ حمایت اسمی بوده است. چنانچه نرخ ارز را در سناریوهای ۳۰۰۰ ریالی و ۴۰۰۰ ریالی مد نظر قرار دهیم، میزان حمایت اسمی از بازار محصولات کاهش اما نرخ حمایت از نهاده‌ها افزایش یافته است. به این معنا که تولیدکنندگان صنایع مورد بررسی از یارانه‌های حمایتی دولت بهره‌مند شده‌اند و حمایت‌های دولت در بازار نهاده‌ها قابل توجه بوده است.

۲. در سناریوی نرخ ارز ۴۰۰۰ ریالی برآیند حمایت مؤثر در تمامی صنایع مورد بررسی منفی بوده است.

۳. نرخ تعرفه مؤثر نشان می‌دهد که از وسایط نقلیه موتوری بیشترین حمایت در سال ۱۳۷۳ صورت گرفته است. نرخ این حمایت ۱۶۰/۴ درصد بوده است. این نرخ حمایت‌های ارزی به شکل سهمیه‌بندی‌ها را شامل نمی‌شود. زیرا فرض شده حمایت‌های ارزی از طریق

دریافت مابه‌التفاوت‌های سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان از طریق یک کانال غیربازاری و مداخله‌ای خنثی می‌شود.

۴. نرخ حمایت ۴/۱۶۰ درصد تبیین‌کننده این موضوع است که حمایت از صنایع تولیدکننده و وسایل نقلیه موتوری براساس منطق مشخص اقتصادی وجود ندارد و این حمایت‌ها همچنان ادامه دارد.

۵. عوارض شبه تعرفه‌ای متعددی در نظام تعرفه‌ای ایران وجود دارد که کارایی نظام تجاری را خدشه‌دار می‌کند. بدین معنا که نرخ‌های ارز مورد استفاده در تعیین ارزش مبنای برخی از عوارض مورد بررسی در نظام تعرفه‌ای ۷۰ ریالی و برای تعیین نرخ سود بازرگانی مبنای نرخ ارز شناور است. تجدید نظر اساسی و حذف بسیاری از عوارض وارداتی کشور می‌تواند به بهبود نظام حمایتی کشور و منطقی شدن آن کمک کند.

پیشنهادات

۱. قیمتی کردن حمایت‌ها در وهله اول و تبدیل کردن هر نوع حمایتی براساس نرخ‌های تعرفه و سود بازرگانی نخستین اقدام دولت در جهت اصلاح نظام بازرگانی و تجاری کشور است.

۲. حذف عوارض شبه تعرفه‌ای و قیمتی کردن محدودیت‌ها و سهمیه‌بندی‌ها ضمن شفاف‌تر نمودن ساختار نظام تعرفه‌ای به افزایش کارایی نظام تجاری و بازرگانی منجر می‌شود.

۳. از آن‌جا که زمان حمایت از صنایع باید مشخص باشد صناعی که از نظر داخلی به سودآوری رسیده‌اند، باید میزان حمایت از آن‌ها کاهش یابد. این امر با میدان دادن به فعالان بخش خصوصی، کاهش نرخ‌های تعرفه و رقابتی کردن بازارهای محصولات مورد بررسی امکان‌پذیر است.

مآخذ

الف) فارسی

بالاسا، بلا، استراتژی‌های توسعه در کشورهای نیمه صنعتی، ترجمه محمدعلی حقی، تهران، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۸.

- گریفین، کیت، استراتژی‌ها و راهبردهای توسعه اقتصادی، ترجمهٔ راغفر - هاشمی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۵.
- کوردن، م.و.، تئوری حمایت، ترجمهٔ احمد شاه رکنی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۱.
- اداره آمار و خدمات ماشین‌گرک جمهوری اسلامی ایران.
- قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۱۳۷۲.
- رحیمی، عباس، «سیاست‌های حمایتی و اثر آن بر متغیرهای اقتصادی»، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۴.
- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری، سال‌های مختلف.

(ب) انگلیسی

- Subramanian et al., "Optimal Tariff. Theory and Practice," Working Paper, No. 50, 1993.
- Wogart and Marques, "Trade Liberalization, Tariff Redundancy and Inflation: A Methodological Exploration Applied to Argentina," IMF.
- Tyler, "Effective Incentives for Domestic Market Sales and Exports," *Journal of Development Economics* 18(1985), North Holland.
- Olgun and Togan, "The Liberalization of International Trade in Turkey during the 1980s," *The Pakistan Development Review*, No. 28 (Winter 1989).
- Mihaljek, "Tariffs, Optimal Taxes and Collection Cost," IMF WP/92/28, 1992.
- Thomas, "Developing Country Experience in Trade Reform," Working Papers (295), 1982.
- Appelard, D.R., A.J. and Field, *International Economics, Trade Theory and Policy*, Irwin, second edition, 1995.
- Salvatore, Dominik, "International Trade Policies. Industrialization and Economic Development," *The International Trade Journal*, Vol. 10, No. 1, Spring 1996.
- Kreinin, Mordechai E., *International Economics. A Policy Approach*, HBJ, International Edition, fifth edition, 1987.
- Ingram, J.C., & R.M. Dunn, *International Economics*, John Wiley and Sons Inc., third edition, 1993.
- Gonzales et al., "Economic Incentives and Comparative Advantage in Indonesian Food Crop Production," International Food Policy Research Institute, *Research Report* 1993.